

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۰

تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله

نورمحمد پقّه، دکتر مصطفی ازکیا، دکتر احمد رضوانفر*

چکیده

فقر، یکی از جدیترین مشکلات دوره کنونی به شمار می‌آید. به رغم پیشرفتهای عظیم اقتصادی، میلیونها نفر در جهان، که بیشترشان در نواحی روستایی زندگی می‌کنند، همچنان در فقر به سر می‌برند. با انجام پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر پیدایش فقر، بویژه فقر روستایی، می‌توان برنامه‌ریزان را در به کارگیری الگوهای بهتر فقرزدایی در نقاط محروم روستایی یاری داد. در این پژوهش نیز به منظور شناسایی تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در جامعه روستایی کلاله (واقع در شرق استان گلستان) با بهره‌گیری از روش میانه درآمدی، خط فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه، محاسبه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ۱۵/۷ درصد از ساکنان روستاهای این منطقه زیرخط فقر قرار دارند. از عوامل عمده فقر

* به ترتیب: کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشیار و استادیار دانشگاه تهران.

روستانشینان می‌توان به عوامل اقتصادی - کشاورزی، عوامل شغلی، روابط اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی اشاره کرد. در این پژوهش همچنین برای تبیین فقر از درآمد سالانه خانوارها و نیز میزان برخورداری روستاها از تسهیلات و امکانات خدماتی استفاده شده است.

کلید واژه‌ها:

فقر، خط فقر، فقر روستایی، تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر.

مقدمه

فقر و محرومیت، در بیشتر کشورها یکی از مسائل و مشکلات مهم برای دولتها و بویژه برنامه‌ریزان به شمار می‌آید. همچنین چگونگی برخورد دولتها با این مشکل و اینکه چه راهکارهایی برای حل یا کاهش آن اتخاذ کنند، از مسائل مطرح و مشکل‌آفرین برای آنهاست (۱).

در این میان، فقر در جوامع روستایی، یکی از چالشهای مهم برشمرده می‌شود که ذهن بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی را به خود معطوف کرده است. براساس گزارش فائو (۱۹۹۸)، نزدیک به یک میلیارد نفر در فقر به سر می‌برند که بیشتر آنها در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. این در حالی است که اقتصاد روستایی به طور عمده بر پایه فعالیتهای کشاورزی و دامی قرار دارد که خود تابع قانونمندیهای زیستی و بومشناختی است. بنابراین، درآمد در روستاها بیشتر دستخوش تغییر می‌شود، و در پی آن درجه آسیب‌پذیری روستاییان (بویژه گروههای درامدی پایین در روستاها) نیز بالا می‌رود. پس، ناگفته نماند که در چنین شرایطی اهمیت مطالعه و پژوهش در زمینه فقر روستایی نیز فزونی می‌یابد (۸ و ۱۲). از آنجا که جامعه روستایی مورد مطالعه در این پژوهش از دیرباز به عنوان یکی از مناطق محروم شناخته شده است و به رغم فعالیتهای عمرانی انجام گرفته از سوی سازمان جهاد سازندگی (وقت) و دیگر نهادهای مربوط، همچنان در ردیف مناطق محروم کشور قرار دارد و از سوی، تاکنون مطالعه جامعی در زمینه فقر روستایی در منطقه پیشگفته انجام نگرفته است؛

بنابراین، انجام پژوهشهایی در زمینه شناخت علمی و دقیق مسئله فقر و عوامل مؤثر بر آن، گام نخست و ضروری برای به کار بستن سیاستها و تنظیم برنامه‌های کارآمد توسعه روستایی و نیز فقرزدایی در منطقه مورد مطالعه خواهد بود.

در این میان، مطالعاتی چند در زمینه فقر و عوامل مؤثر بر آن از سوی سازمانهای بین‌المللی همچون ILO^۱، WB^۲ و UNDP^۳ و پژوهشگرانی مانند راونتری (۱۹۰۱)، هانتر (۱۹۰۴)، گالبرایت (۱۹۵۶)، تاونزند (۱۹۷۹) و چمبرز (۱۹۸۲) انجام شده است (۲، ۴، ۷، ۸). در ایران نیز پژوهشهایی در زمینه فقر روستایی از سوی عظیمی (۹)، زاهدی مازندرانی (۸)، ازکیا (۳) و حافظ‌نیا (۶) انجام گرفته که از آنها در تدوین چارچوب نظری تحقیق و تعیین متغیرها و شیوه اندازه‌گیری‌شان استفاده شده است.

به هر حال فقر روستایی با بهره‌گیری از شاخصهای گوناگون و متعددی همچون درآمد سرانه، میزان مرگ و میر نوزادان، ساهای اندک امید به زندگی، شاخصهای بهداشت، آموزش، اشتغال و مانند آن تعریف می‌شود (۱۱، ۱۳). ولی در مجموع با بهره‌گیری از شاخصهای موردنظر نیز نمی‌توان منظور از فقر روستایی را به طور آشکار بیان کرد؛ زیرا فقر مفهومی نسبی است و سطح و عمق آن برحسب زمان و مکان تغییر می‌کند. از سوی دیگر، فقر روستایی در اثر عوامل متعددی پدید می‌آید که مطالعه همه آنها دشوار است. بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که برخی از تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر روستایی که با توجه به ویژگیهای منطقه اهمیت بیشتری دارد، به اجمال تحلیل شود.

هدف کلی از انجام این پژوهش مشخص کردن تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر روستایی است و هدفهای اختصاصی نیز عبارت است از:

۱. تعیین خط فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه

1. International Labor Organization
2. World Bank
3. United Nations Development Program

۲. بررسی ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی جامعه مورد مطالعه

۳. شناخت سطح رابطه عوامل مؤثر بر فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه

روش شناسی

این پژوهش در روستاهای بخش کلاله از توابع شهرستان مینودشت واقع در شرق استان گلستان، در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته است. برای تعیین حجم نمونه، روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی چند مرحله‌ای تصادفی سیستماتیک به کار رفته و تعداد طبقات نمونه‌گیری بر پایه دو عامل وضعیت طبیعی (جلگه‌ای، کوهپایه‌ای، کوهستانی) و تعداد خانوارهای هر روستا مشخص شده است. بدین ترتیب، از مجموع ۱۳۶ روستای دارای سکنه، ۱۸ روستا انتخاب شد. به منظور گردآوری اطلاعات اقتصادی - اجتماعی خانوارها، سرشماری آن دسته از روستاهای هجده‌گانه که کمتر از ۱۰۰ خانوار در آنها ساکن بود، انجام گرفت. در روستاهای دارای بیش از ۱۰۰ خانوار با بهره‌گیری از روش تصادفی سیستماتیک، ۱۰۰ خانوار انتخاب و در مجموع، ۱۰۲۰ خانوار به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه در نظر گرفته شد. آنگاه پس از تعیین خط فقر در جامعه مورد مطالعه، همه خانوارهای زیر خط فقر (۱۶۰ خانوار) سرشماری شدند.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

در این پژوهش، فقر، متغیر وابسته است. فقر، به مفهوم معیشتی، سطح معینی از میزان درآمد موردنیاز برای خرید مواد غذایی لازم به منظور برآوردن متوسط نیازهای تغذیه‌ای هر فرد بزرگسال و خردسال در هر خانواده است. هزینه مواد خوراکی به عنوان هزینه اساسی برای معیشت و زیست در نظر گرفته می‌شود که هرگاه به هزینه‌های مربوط به پوشاک ضروری و سوخت برای گرما افزوده شود، رقی به دست می‌آید که می‌توان گفت خانواده‌هایی با درآمدی زیر این رقم در فقر قرار دارند. در این پژوهش، درآمد ناخالص سالانه خانوار به عنوان معرف

اصلی در نظر گرفته شده است که با استفاده از فرمول زیر به دست می‌آید:

(درآمد ناخالص سالانه جانبی + درآمد ناخالص سالانه دامداری + درآمد ناخالص سالانه کشاورزی) = درآمد ناخالص سالانه

محرومیت روستاها از امکانات و خدمات آموزشی و رفاهی، معرف دیگر در این پژوهش

است.

متغیرهای مستقل

برای این پژوهش، در مجموع، ۳۰ متغیر مستقل مطالعه شد؛ مواردی چون:

متغیرهای اقتصادی - کشاورزی همچون مالکیت زمین کشاورزی، عملکرد محصولات

کشاورزی (میزان برداشت محصولات کشاورزی در سطح هکتار)، قیمت محصولات زراعی،

میزان دسترسی به نهاده‌های کشاورزی و دامداری (کود، سم، بذر، جو، سبوس و تفال و مانند

آن) و اعتبارات (وام دریافتی از بانکها و شرکتهای تعاونی طی یک سال گذشته)، میزان درآمد

کشاورزی و متغیرهای آموزشی و ترویجی مانند دسترسی به رسانه‌های جمعی همچون رادیو،

تلویزیون و رسانه‌های نوشتاری و آموزش شغلی و امکانات آموزشی چون مدرسه، کلاس

نهضت، دبیرستان و دیگر موارد و همچنین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی همانند میزان مشارکت

اجتماعی، شرکت در انتخابات و مشارکت در طرحهای عمرانی و نوع نگرش به دولت و چگونگی

روابط اجتماعی و روابط با اداره‌ها و نهادها از آن جمله است.

روشهای آماری به کار رفته

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. مواردی مانند:

درصد، درصد تجمعی، واریانس، میانگین و فراوانی نیز آماره‌های توصیفی تحقیق به شمار

می‌رود. برای بررسی رابطه میان متغیرها و تفاوتها از روش تحلیلی یا استنباطی استفاده شده

است. روشهای آماری به کار رفته عبارت است از:

۱. تحلیل همبستگی: در این پژوهش، ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان متغیرهای نسبی و ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرهای رتبه‌ای به کار رفته است. در تحلیل داده‌ها، ضرایب همبستگی همه متغیرهای مستقل با یکدیگر و با متغیر وابسته (درآمد سالانه خانوار) محاسبه شده است.

۲. تحلیل واریانس: از روش تجزیه واریانس یکطرفه برای تحلیل تفاوت معنی‌دار میان گروهها از نظر انواع متغیرهای مورد مطالعه در تحقیق و از آزمون F برای بررسی اختلاف بین گروهها استفاده شده است. جدول تحلیل واریانس یکطرفه نیز برای بررسی سطح معنی‌داری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و آزمون کای دو (اسکوار) (X^2) برای آزمون متغیرهای نسبی و اسمی به کار رفته است.

۳. تحلیل رگرسیون: در این پژوهش از تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تبیین سهم هر یک از متغیرهای مستقل در متغیر وابسته و از روش پس‌رونده^۱ در تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در این روش تمامی متغیرها وارد معادله می‌شوند و در کنار یکدیگر تأثیر خود را نشان می‌دهند و سپس متغیرهای بدون تأثیر معنی‌دار حذف خواهند شد.

۴. تحلیل عاملی: برای پی بردن به روابط اساسی میان متغیرها و تعیین تعداد و ماهیت متغیرهای واقعی در میان تعداد زیادی از متغیرها، روش تحلیل عاملی به کار رفته است. با بهره‌گیری از این روش تحلیل می‌توان داده‌های انبوه را تلخیص و طبقه‌بندی کرد. تحلیل عاملی، واریانس موجود در متغیرهای گوناگون را بر اساس هر یک از عوامل نشان می‌دهد. به منظور تشخیص غالب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، از آزمون بارتلت و آزمون MSA (KMO) استفاده شده است. این پژوهش از نوع غیرآزمایشی و روش تحقیق در آن پیمایشی است.

یافته‌های تحقیق

۱. خط فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه

خط فقر معیاری است که از راه آن افراد فقیر از غیر فقیر تشخیص داده می‌شوند. خط فقر براساس هزینه لازم برای خرید حداقلی از استاندارد خوراک و دیگر نیازهاست که میزان این هزینه در میان کشورهای گوناگون با هم تفاوت دارد. خط فقر را با بهره‌گیری از روشها و شاخصهای مختلف می‌توان محاسبه کرد.

در این پژوهش برای محاسبه خط فقر از روش میانه درآمدی استفاده شده است. بدین ترتیب که درآمد ناخالص سالانه خانوار به بُعد خانوار (تعداد اعضای خانوار) تقسیم و درآمد سرانه به دست آمده از نزولی به صعودی مرتب شده آنگاه محاسبه میانه انجام گرفته است. با تقسیم میانه بر ۲، عدد به دست آمده به عنوان خط فقر منظور شده و خانوارهایی که درآمد سرانه سالانه آنها پایینتر از این رقم بوده است به عنوان خانوارهای فقیر در نظر گرفته شده‌اند.

در پژوهش حاضر، خانوارهایی با درآمد سرانه سالانه کمتر از ۷۵۰۰۰۰ ریال، فقیر به شمار آمده‌اند که نشان می‌دهد در مجموع، ۱۵/۷ درصد از ساکنان جامعه مورد مطالعه زیر خط فقر بوده‌اند.

مقایسه خط فقر در سطح روستاهای نمونه با آنچه سازمان برنامه و بودجه وقت، در سطح روستاهای کشور در سال ۱۳۷۸ به عنوان خط فقر مبنای نظر گرفته است (یعنی درآمد ماهانه ۴۷۰۰۰۰ ریال برای یک خانوار ۵ نفره) نشان می‌دهد که خانوارهای ساکن در مناطق روستایی مورد پژوهش، درآمد کمتری دارند که این موضوع گویای محرومیت ساکنان روستایی در این منطقه است.

۲. طبقه‌بندی مناطق روستایی مورد مطالعه برحسب میزان برخورداری از امکانات رفاهی و

خدماتی

به منظور سنجش میزان فقر و محرومیت در سطح روستاها و مقایسه آنها با یکدیگر و

یافتن ارتباط میان فقر و توسعه نیافتگی، مناطق روستایی مورد مطالعه از نظر میزان برخورداری از تسهیلات خدماتی امتیازبندی شد. امکانات رفاهی و خدماتی مورد نظر در این پژوهش نیز چنین بود:

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| ۱. امکانات آموزشی | ۲. امکانات بهداشتی |
| ۳. امکانات زیربنایی | ۴. امکانات ارتباطی |
| ۵. امکانات فرهنگی | ۶. امکانات اداری |
| ۷. امکانات تفریحی و ورزشی | ۸. امکانات اقتصادی و تجاری |

تقسیمبندی روستاهای هجده گانه براساس دستگاه امتیازبندی ششگانه انجام گرفت و سپس با توزیع تعداد فقیران روستایی در هر کدام از روستاهای توسعه یافته، کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته، رابطه میان فقر و میزان توسعه یافتگی بررسی شد.

روستاهایی که از نظر امکانات مورد نظر در این پژوهش، دست کم در ۴ مورد امتیاز کمتر از ۳ دریافت کردند، به عنوان روستاهای محروم و توسعه نیافته به شمار آمدند و میزان توسعه یافتگی «کم» برای آنها در نظر گرفته شد.

میزان توسعه یافتگی روستاهایی که از میان شاخصهای مورد نظر حداقل در ۴ مورد امتیاز ۳ و ۴ را به خود اختصاص دادند، «متوسط» در نظر گرفته شد.

برای روستاهایی که از بین شاخصهای مورد نظر حداقل در ۴ مورد امتیاز بالاتر از ۴ دریافت داشتند، میزان توسعه یافتگی «زیاد» منظور شد. (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. توزیع روستاها برحسب میزان فقر و توسعه نیافتگی

ردیف	نام روستا	درصد فقر نسبت به کل جامعه آماری	درصد فقر نسبت به جمعیت روستا	میزان توسعه‌یافتگی
۱	روشن‌دره	۱/۵	۲۱/۴	کم
۲	سیدلر	۳	۱۸/۷	کم
۳	اورجنلی	۵/۵	۱۹/۳	متوسط
۴	یکه‌قوز پایین	۱۲/۵	۲۷/۷	کم
۵	قره‌آغاچ	۴	۸	متوسط
۶	قره‌سربالا	۵	۴۵/۴	کم
۷	حیدرآباد	۶/۵	۴۶/۴	کم
۸	پل چشمه سفلی	۵/۵	۱۱/۲	کم
۹	مزرعه صداق	۲	۳۰/۷	کم
۱۰	عطارلر	۶	۵۰	کم
۱۱	خوجه لر	۷	۴۶/۶	متوسط
۱۲	عبدالله‌زاده	۵/۵	۴۰/۷	کم
۱۳	دشتی	۳/۵	۱۳/۴	متوسط
۱۴	فتح‌آباد	۷/۵	۲۶/۳	متوسط
۱۵	تارالله	۸	۲۱	متوسط
۱۶	آی‌درویش	۸	۱۶	زیاد
۱۷	قره‌قوزی علیا	۵	۱۰	زیاد
۱۸	بیل بدراق	۳/۵	۲۱/۴	متوسط

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس داده‌های جدول شماره ۱ مشخص می‌شود که ۹ روستا (۵۰ درصد) از روستاهای مورد مطالعه، توسعه نیافته بوده و ۷ روستا (۳۸/۸ درصد)، به علت میزان توسعه‌یافتگی، امتیاز متوسط به دست آورده و ۲ روستا (۱۱/۱ درصد) نیز به عنوان روستاهای توسعه یافته شناخته شده‌اند. در زمینه رابطه میان فقر و میزان توسعه‌یافتگی نیز چنانچه ملاک درصدگیری را نسبت به کل فقیران روستایی در نظر بگیریم، معلوم می‌شود که روستای شماره ۴ (یکه قوز پایین) که

بیشترین تعداد فقیران روستایی را داشته (۱۲/۵ درصد) از نظر میزان توسعه یافتگی در ردیف روستاهای توسعه نیافته به شمار رفته و کمترین تعداد فقیران روستایی نیز مربوط به روستاهای شماره ۱ (روشن دره) و شماره ۹ (مزرعه صدیقی) بوده است. اگر ملاک تعیین میزان فقر در روستاها بر مبنای تعداد جمعیت آنها باشد، در این صورت معلوم می شود که ۵۰ درصد از ساکنان روستای شماره ۱۰ (عطالر)، در ردیف افراد فقیر و آسیب پذیر قرار می گیرند.

به طور کلی هر چند ارتباطی منظم و پیوسته میان میزان توسعه یافتگی و تمرکز فقر در روستاها به چشم نمی خورد، ولی در یک جمع بندی کلی می توان گفت که بیشتر تمرکز فقیران روستایی در روستاهایی است که میزان تسهیلات رفاهی و خدماتی اندک و ناچیز داشته اند. به دیگر سخن، نزدیک به نیمی از فقیران روستایی در جامعه مورد مطالعه در روستاهایی توزیع شده که میزان توسعه یافتگی آنها پایین بوده است.

۳. توصیف متغیرهای مستقل

برای توصیف داده ها از آمارهای توصیفی همچون فراوانی، درصد، درصد تجمعی و میانگین استفاده شده است.

۱.۳. دسترسی به اعتبارات

داده های جدول شماره ۲ نشان می دهد که تنها ۱/۳۶ درصد از فقیران روستایی در جامعه مورد مطالعه به اعتبارات و وام هایی که منابع اعتباری دولتی می پردازند، دسترسی داشته و ۶۴ درصد خانوارهای فقیر از دسترسی به اعتبارات محروم بوده اند. این عده به طور معمول از بازرگانان محلی و خویشاوندان و دوستان وام می گرفته اند. مانند همین نتایج نیز از سوی ازکیا، حافظ نیا و بابوکانی گزارش شده است (۳، ۶، ۱۰).

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی فقیران روستایی برحسب نوع منابع اعتباری

منابع اعتباری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بانک	۲۰	۱۲/۷	۱۲/۷
شرکت تعاونی روستایی	۳۷	۲۳/۴	۳۶/۱
بازرگانان محلی	۵۳	۳۳/۵	۶۹/۶
خویشاوندان و دوستان	۴۸	۳۰/۴	۱۰۰
جمع	۱۵۸	۱۰۰	--

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲.۳. دسترسی به نهاده‌های کشاورزی و دامداری

میزان دسترسی به نهاده‌های کشاورزی در میزان عملکرد تولید کشاورزان و در نهایت، بر میزان درآمد سالانه خانوارها تأثیر خواهد گذاشت.

داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۷۰/۳ درصد از فقیران روستایی دسترسی اندکی به نهاده‌های کشاورزی داشته‌اند. به دیگر سخن، بیش از ۷۰ درصد از خانوارهای فقیر در تهیه نهاده‌های مورد نیاز خود برای کشاورزی و دامداری با مشکل روبه بوده‌اند. نهاده‌های مورد نظر در این پژوهش: کود، سم، بذر اصلاح شده، کمباین، تراکتور، سبوس، افشیره (کنسانتره) و تفاله چغندر قند است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی فقیران روستایی برحسب دسترسی به نهاده‌ها

میزان دسترسی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۱۱	۷۰/۳	۷۰/۳
متوسط	۳۷	۲۳/۴	۹۳/۷
زیاد	۱۰	۶/۴	۱۰۰
جمع	۱۵۸	۱۰۰	--

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳.۳. عملکرد تولید کشاورزی

عملکرد تولیدات زراعی دهقانان فقیر روستایی به دلیل دسترسی نداشتن به نهاده‌های کشاورزی، نداشتن سرمایه و برخوردار نبودن از آموزش‌های شغلی به طور معمول اندک و ناچیز است و در مقایسه با میانگین عملکرد رایج در منطقه در سطح پایینتری قرار دارد. این موضوع در کاهش میزان درآمد و در نهایت، بر فقر و آسیب‌پذیری این گونه خانوارها تأثیر بسزایی می‌گذارد (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. عملکرد محصولات زراعی دهقانان خرده‌پا به تفکیک محصولات
گوناگون و مقایسه آن با عملکرد رایج در منطقه مورد مطالعه

نوع محصول	میزان برداشت در هکتار (برحسب تن)	میانگین عملکرد در منطقه (برحسب تن)
گندم دیم	۱/۵	۳
گندم آبی	۳	۵
هندوانه	۲۵	۲۵
پنبه	۰/۸	۲
آفتابگردان	۰/۹	۱/۵
سویا	۱/۲	۲/۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، بازده تولیدات زراعی دهقانان فقیر روستایی به طور محسوسی کمتر از میانگین عملکرد در منطقه بوده است. مانند همین نتیجه را ازکیا و افراخته نیز گزارش کرده‌اند (۵،۳).

۴.۳. میزان دسترسی به رسانه‌های جمعی

فقیران روستایی به علت دسترسی نداشتن به رسانه‌های جمعی مانند رادیو، تلویزیون،

روزنامه و نیز به دلیل ناآگاهی از دنیای پیرامون خود در انزوا به سر می‌برند که این مسئله در تشدید فقر و آسیب‌پذیری آنها تأثیر دارد. چنانکه جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، نزدیک به ۶۵ درصد فقیران روستایی دسترسی اندکی به رسانه‌های جمعی داشته‌اند.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی خانوارهای فقیر روستایی برحسب میزان

دسترسی به رسانه‌های جمعی

میزان دسترسی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۰۲	۶۲/۵	۶۴/۵
متوسط	۴۲	۲۶/۵	۹۱
زیاد	۱۴	۹	۱۰۰
جمع	۱۵۸	۱۰۰	--

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵.۳. دسترسی به امکانات آموزشی

طبقه‌بندی روستاهای هجده‌گانه بر اساس امکانات آموزشی نشان می‌دهد که ۹ روستا از امکانات آموزشی همچون کلاس نهضت، دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان محروم بوده و نزدیک به ۵۰ درصد از فقیران نیز در این‌گونه روستاها سکونت داشته‌اند (جدول شماره ۶).

۶.۳. میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی

اسکار لوتیس، یکی از ویژگیهای فردی فقیران روستایی را مشارکت پایین آنها در مسائل سیاسی-اجتماعی می‌داند. از همین رو، برای سنجش میزان مشارکت فقیران در جامعه روستایی مورد مطالعه، این افراد، بر مبنای شرکت داشتن در انتخابات و مشارکت در طرحهای عمرانی، به ۳ دسته پایین، متوسط و بالا رتبه‌بندی شدند. بر این اساس مشخص شد که ۵۹/۴ درصد از فقیران روستایی سطح مشارکت پایین داشته و تنها ۱۶/۴ درصد از مشارکت بالای

سیاسی - اجتماعی برخوردار بوده‌اند (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۶ وضعیت فراوانی فقیران روستایی در زمینه فقر آموزشی

ردیف	نام روستا	درصد فقر نسبت به جمعیت روستا
۱	عطار	۲۷/۷
۲	خوجهلر	۴۴/۴
۳	یکه قوزبایین	۵۰
۴	یلیدراق	۲۱/۴
۵	مزرعه صدیقی	۳۰/۵
۶	حیدرآباد	۴۲
۷	سیدلر	۴۸/۲
۸	روشن دره	۱۹/۲
۹	عبداللهزاده	۵۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی فقیران روستایی برحسب میزان مشارکت

اجتماعی - سیاسی

میزان مشارکت	فراوانی	درصد
پایین	۹۴	۵۹/۴
متوسط	۳۸	۲۴
زیاد	۲۶	۱۶/۴
جمع	۱۵۸	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴. تحلیل داده‌ها

۱.۴. تحلیل همبستگی

در این پژوهش ضرایب همبستگی تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (درآمد سالانه خانوار) محاسبه شده و متغیرهایی که در آزمونهای پیرسون و اسپیرمن نیز ارتباط معنی‌دار با متغیر وابسته داشته، مشخص شده است. بر این اساس، دست کم ۱۴ متغیر مستقل، همبستگی معنی‌دار با درآمد سالانه خانوار داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به متغیرهای زیر اشاره کرد:

مقدار زمین کشاورزی، میزان عملکرد محصولات کشاورزی، میزان ارتباط با اداره‌ها و نهادها، میزان دسترسی به نهاده‌های کشاورزی و دامداری، بعد خانوار، سن سرپرست خانوار، میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی و دیگر موارد (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸. آزمون کای دو و سطح معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل

اسمی با متغیر درآمد سالانه خانوار

ردیف	متغیرهای مستقل اسمی	مقدار (chi)	سطح معنی‌داری (sig)
۱	مالکیت یا عدم مالکیت زمین کشاورزی	۷/۸۶۴۲۹	۰/۰۴۸۹
۲	نوع محصول	۱۶/۸۶۰۳۵	۰/۰۰۰۸
۳	نوع شغل	۱۵/۱۴۸۶۳	۰/۰۰۱۷
۴	نوع نهاده‌های کشاورزی به کاررفته	۸/۲۵۸۴۹	۰/۰۰۶
۵	روستای محل سکونت	۹/۲۵۴۶۹	۰/۰۰۹
۶	نوع منابع اعتباری	۰/۰۰۰۶	۰/۹۵۱۴
۷	دستی به امکانات آموزشی	۴/۸۴۲۵۹	۰/۰۰۷۴
۸	نوع نهاده‌های به کاررفته در دامداری	۰/۹۰۳۹۶	۰/۸۱۵۹
۹	جنسیت	۰/۲۸۴۹	۰/۰۰۰۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای بررسی ارتباط میان متغیرهای مستقل اسمی و متغیر وابسته (درآمد سالانه خانوار)،

که یک متغیر نسبی است، از آزمون X^2 (کای دو) استفاده شده است. بر این اساس متغیرهایی همچون مالکیت زمین کشاورزی، نوع محصول کشاورزی، نوع منبع اعتباری، نوع شغل، جنسیت و موارد دیگر، دارای رابطه معنیدار با فقر روستایی بوده‌اند (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹. ضرایب همبستگی و سطح معنیداری هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر درآمد سالانه خانوار

ردیف	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی r	سطح معنیداری (p)
۱	مقدار زمین کشاورزی	۰/۴۸۶	۰/۰۰۰
۲	میزان عملکرد محصولات کشاورزی	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰
۳	قیمت محصولات کشاورزی	۰/۵۸۴	۰/۰۰۰
۴	میزان دسترسی به نهاده‌های کشاورزی و دامپروری	۰/۵۸۹	۰/۰۰۰
۵	سن سرپرست خانوار	۰/۱۶۳	۰/۰۰۱
۶	میزان ارتباط با اداره‌ها	-۰/۱۸۷	۰/۰۱۲
۷	تعداد واحد دامی	۰/۹۰۰	۰/۰۰۰
۸	درآمد به دست آمده از کشاورزی	۰/۹۴۵	۰/۰۰۰
۹	درآمد به دست آمده از دامداری	۰/۹۲۴	۰/۰۰۰
۱۰	درآمد به دست آمده از مشاغل دیگر	۰/۹۱۷	۰/۰۰۰
۱۱	بعد خانوار	-۰/۰۲۵	۰/۰۴۲
۱۲	میزان مشارکت اجتماعی	-۰/۰۲۵	۰/۰۳۷
۱۳	میزان ارتباط با اطرافیان	۰/۴۲۵	۰/۰۰۱
۱۴	سطح سواد اعضای خانواده	۰/۲۵۹	۰/۰۲۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲.۳. تحلیل رگرسیون عوامل مؤثر بر درآمد سالانه خانوار

رگرسیون چند متغیری برای تبیین درآمد سالانه خانوار نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط به متغیر مستقل درآمد ناخالص کشاورزی بوده است ($B = ۵/۶۶۷$). این مطلب همچنین آشکار می‌سازد که با افزایش درآمد به دست آمده از کشاورزی، درآمد سالانه خانوار نیز

افزایش یافته است. به دیگر سخن، سطح بالای بهره‌وری کشاورزی و درآمد به دست آمده از آن موجب بهبود وضعیت اقتصادی خانوار شده است. پس از آن، متغیر بازده تولیدات زراعی بیشترین تأثیر را بر فقر روستایی داشته است ($B = 4/64$). این بدان معناست که هر چقدر بازده محصولات کشاورزی دهقانان افزایش یابد از شدت فقر و آسیب‌پذیری آنها کاسته می‌شود. همچنین متغیرهای تعداد واحد دامی، نوع محصول، مالکیت زمین کشاورزی و مقدار زمین کشاورزی از جمله متغیرهایی بوده که در معادله رگرسیون بیشترین تأثیر را بر فقر روستایی داشته است. آزمون معنیدار (T) و ضریب تأثیر بتا (β) برای متغیر سن منفی بوده است. به دیگر سخن، خانوارهایی که سن سرپرست آنها بیشتر بوده است درآمد سالانه پایینی داشته‌اند؛ یعنی این‌گونه خانوارها فقیرتر و آسیب‌پذیرتر بوده‌اند. به طور کلی نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بیشتر متغیرهای مؤثر در فقر خانوارها، از نوع متغیرهای اقتصادی و کشاورزی است و متغیرهای مربوط به میزان مشارکت اجتماعی، نوع نگرش و دیگر متغیرهای فرهنگی، به سبب تأثیر در فقر خانوارهای روستایی، در مراحل بعدی اهمیت قرار دارد. همچنین ضریب تعیین (R-Square) برابر ۸۱ درصد است، بدان معنا که متغیرهای باقی‌مانده در معادله رگرسیون ۸۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (درآمد سالانه خانوارها) را توضیح می‌دهد و ۱۹ درصد دیگر به عوامل و متغیرهایی مربوط می‌شود که در معادله رگرسیون تبیین درآمد سالانه به حساب نیامده است. ضریب چندگانه معادله رگرسیون (Multiple R) برابر ۹۱ درصد و نشان‌دهنده رابطه زیاد متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است.

۳.۴. تحلیل عاملی

تحلیل عاملی، روشی برای تعیین تعداد و ماهیت متغیرهای واقعی در میان تعداد زیادی از متغیرهاست. در این پژوهش ۱۹ متغیر برای تحلیل عاملی انتخاب و مناسب بودن آنها برای این تحلیل با استفاده از آزمون بارتلت و MSA (KMO) آزمایش شد. نتایج آزمون بارتلت با درصد معنیداری بسیار بالا (۰/۰۰۰۰) و نیز نتیجه آزمون MSA با مقدار ۰/۷۶، مناسب بودن

متغیرهای به کار رفته را در تحلیل عاملی نشان می‌دهد. آنگاه پس از محاسبه ماتریس عاملهای دوران داده نشده (موقت)، به منظور آسان کردن تفسیر عاملها و ساده شدن ساختار آنها، چرخش عاملی با روش وریماکس به کار رفت. در این مراحل تلاش بر آن است تا متغیرهایی که بار عاملی بزرگتری دارد به کمترین تعداد کاهش یابد و بدین ترتیب بر تبیین‌پذیری عاملها افزوده شود. نتایج نهایی، ۵ عامل را شناسایی می‌کند که مجموعه این عوامل $۶۵/۳$ درصد واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. بر این اساس می‌توان گفت که متغیرهای دسترسی به نهاده‌های کشاورزی، مالکیت زمین کشاورزی، نوع محصول کشاورزی، مقدار زمین کشاورزی، میزان عملکرد محصولات کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی و درآمد ناخالص کشاورزی بیشترین تأثیر را در تشکیل عامل نخست داشته‌اند. مقدار ویژه این عامل $۵/۵۹$ است که $۲۹/۵$ درصد از واریانس کل متغیرها را در بر می‌گیرد. با بهره‌گیری از عامل نخست، متغیرهای اقتصادی و کشاورزی اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین، عامل پیشگفته را می‌توان «عامل اقتصادی - کشاورزی» نامگذاری کرد.

متغیرهای: شغل اصلی، تعداد واحد دامی، درآمد به دست آمده از دامداری و مشاغل جانبی بیشترین نقش را در ایجاد عامل دوم داشته‌اند. مقدار ویژه این عامل $۲/۸۴$ است که ۱۵ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به نوع متغیرهای عامل دوم می‌توان آن را «عامل شغلی» نامید. متغیرهای: میزان ارتباط با اداره‌ها، دسترسی به رسانه‌های جمعی و دسترسی به امکانات آموزشی، نقش بیشتری در ایجاد عامل سوم داشته‌اند. مقدار ویژه این عامل $۱/۶$ است که $۸/۵$ درصد از واریانس کل متغیرها را در بر می‌گیرد. از آنجا که عامل سوم به ارتباط خانوارهای فقیر با بیرون از جامعه روستایی اشاره می‌کند، برای آن نام «عامل ارتباط بیرون گروهی» پیشنهاد می‌شود.

سه عامل یاد شده بیش از نیمی از کل واریانس متغیرها را در بر می‌گیرد (۵۳ درصد). درباره عامل چهارم باید گفت که متغیر چگونگی ارتباط با اطرافیان بیشترین نقش را در ایجاد آن داشته است. از آنجا که عامل چهارم به ارتباط خانوارهای فقیر با درون جامعه روستایی

مربوط می‌شود می‌توان آن را «عامل ارتباط درون گروهی» نامید. مقدار ویژه این عامل $1/3$ است که $6/9$ درصد از واریانس کل متغیرها را در بر می‌گیرد. سرانجام در ایجاد پنجمین عامل، متغیرهای میزان مشارکت اجتماعی و میزان وام دریافتی بیشترین نقش را داشته‌اند. این عامل، مقداری ویژه دارد و $5/6$ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. از آنجا که خانوارهایی که دارای مشارکت بیشتری در مسائل اجتماعی بوده‌اند، به احتمال، دسترسی بیشتری نیز به وام و اعتبارات داشته‌اند، بنابراین در کنار هم قرار گرفتن این دو متغیر تا اندازه‌ای منطقی به نظر می‌رسد. به هر حال این عامل را می‌توان «عامل مشارکت اجتماعی» نامگذاری کرد.

با توجه به نتایج تحلیل عاملی ملاحظه می‌شود که عامل اقتصادی - کشاورزی به همراه عامل شغلی از مهمترین عوامل مرتبط با فقر روستایی به شمار می‌آیند که تغییرات متغیرهای پژوهش را تبیین می‌کنند.

نتایج و بحث

نتایج به دست آمده از تعیین خط فقر در مناطق روستایی مورد مطالعه نشان می‌دهد که $15/7$ درصد از ساکنان منطقه مورد مطالعه دچار فقر و آسیب‌پذیری بوده‌اند. بیشتر این افراد از نظر شغلی، کارگران ساده‌اند که تنها با فروش نیروی کار ییدی امرار معاش کرده و هیچ منبع درآمد دیگری برای گذران امور زندگی خود نداشته‌اند. در جامعه مورد مطالعه، شغل $74/5$ درصد از فقیران روستایی، کارگری بوده است. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، $46/72$ درصد افراد بدون زمین در شمار خانوارهای فقیر جای گرفته‌اند. این مطلب دلالت بر آن دارد که مسئله بی‌زمینی یکی از عوامل مهم فقر روستایی به شمار می‌رود. از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان داد که سهم زنان از فقر روستایی، در مجموع، 46 درصد است. به بیان دیگر، 46 درصد زنان جامعه مورد نظر، که $6/3$ درصد آن زنان‌اند، در ردیف خانوارهای محروم و فقیر به شمار می‌آیند. بنابراین می‌توان گفت که فقر روستایی با مسئله جنسیت نیز مرتبط است. این یافته

تحقیق، نظریه آنتونی گیدنز را در زمینه رابطه استثنائی با مقوله جنسیت تأیید می‌کند.

همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساکنان روستاهای مورد مطالعه نسبت به ساکنان روستایی در سطح کشور، میزان درآمد کمتری داشته‌اند. بنابراین هر چند کمیت فقر در جامعه مورد مطالعه خیلی چشمگیر نبوده است ولی روستانشینان منطقه مورد مطالعه به طور کلی نسبت به جوامع روستایی کشور محروم‌تر و فقیرتر بوده‌اند.

طبقه‌بندی روستاها برحسب میزان برخورداری از تسهیلات خدماتی نیز نشان داد که اکثریت نزدیک به کل روستاها از داشتن تسهیلات رفاهی محروم بوده‌اند و توزیع این روستاها در سطح منطقه تا اندازه‌ای یکسان است. به دیگر سخن، تمام مناطق روستایی مورد مطالعه به گونه‌ای با محرومیت از شاخصهای توسعه روستایی درگیر بوده‌اند. البته بیشتر این محرومیتها در روستاهای کم جمعیت و دور از شهر مشاهده شد و روستاهای پرجمعیت تر دسترسی بیشتری به خدمات و امکانات رفاهی داشتند. بنابراین پرجمعیت یا کم جمعیت بودن روستاها عامل مهمی در دسترسی به خدمات و امکانات رفاهی شمرده می‌شود. توزیع فقیران در روستاها برحسب میزان برخورداری از امکانات نشان داد که درصد بیشتری از فقیران در روستاهایی سکونت داشته‌اند که از تسهیلات زیربنایی و رفاهی محروم بوده است. به دیگر سخن، توزیع فقیران در روستاهای محروم و توسعه نیافته نسبت به جوامع روستایی توسعه یافته بیشتر است. این موضوع نشان می‌دهد که توسعه یافتگی روستاها در افزایش فقر دخالت نداشته، بلکه برعکس این توسعه نیافتگی بوده که منجر به افزایش فقر و محرومیت در میان روستانشینان شده است.

نتایج به دست آمده از بررسی تعیین کننده‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی مورد مطالعه نشان داد که میان متغیر مستقل دسترسی به اعتبارات و متغیر وابسته فقر روستایی، که معرف آن درآمد سالانه خانوارهاست، رابطه معنیداری وجود نداشته است. این موضوع شاید بدان علت باشد که روستاییان منطقه مورد مطالعه به دلیل روابط عاطفی استوار با افراد خانواده و نزدیکان خود در صورت نیاز به وام می‌توانند با قرض کردن از بستگان خود کمبود پدید آمده از دسترسی نداشتن به منابع اعتباری دولتی را جبران کنند. ولی باید گفت که میان متغیر مستقل

میزان دسترسی به نهاده‌های کشاورزی و فقر روستایی رابطه مثبت و معنیداری وجود داشته، به طوری که سهم این عامل در تبیین فقر روستایی برابر با $B = ۳/۶۴$ بوده است. همچنین بین میزان عملکرد تولید کشاورزی و فقر روستایی رابطه مثبت و معنیداری دیده می‌شود؛ زیرا دهقانان فقیر به علت دسترسی نداشتن به نهاده‌های کشاورزی و یا تأمین نشدن بموقع نهاده‌ها، به دلیل ناتوانی مالی، در کاهش درآمد این‌گونه خانوارها و در نهایت، فقر آنها تأثیر بسزایی دارند. بنابراین، یافته‌های پژوهش در این زمینه، تأییدکننده دیدگاه ایولاکوست درباره پایین بودن سطح بهره‌وری کشاورزی به عنوان یکی از عوامل فقر و محرومیت روستایی است.

طبقه‌بندی روستاها از نظر امکانات آموزشی نشان می‌دهد که بیش از ۵۵ درصد از روستاهای مورد مطالعه دچار فقر آموزشی بوده‌اند. توزیع فقیران در میان روستاها گویای آن است که ۵۱ درصد از فقیران روستایی در روستاهای محروم از امکانات آموزشی سکونت داشته‌اند.

همچنین میان میزان مشارکت اجتماعی و فقر روستایی رابطه معنیداری وجود دارد، بدین معنا که خانوارهایی که مشارکت کمتری در امور اجتماعی داشته‌اند، فقیرتر بوده‌اند. ولی بین متغیر نوع نگرش به دولت و متغیر درآمد خانوارها ارتباط معنیداری دیده نشده است.

نتایج تحلیل عاملی نیز نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی - کشاورزی از مهمترین تعیین‌کننده‌های مرتبط با فقر روستایی به شمار می‌رود و پس از آن عوامل شغلی، میزان ارتباط با دیگران و اداره‌ها و سرانجام عامل مشارکت اجتماعی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده فقر در بین ساکنان روستایی جامعه مورد مطالعه بوده است.

پیشنهاده‌ها

با توجه به نتایج این پژوهش، به منظور کاهش فقر روستایی و رفع محرومیت در منطقه پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. از آنجا که مسئله «نداشتن زمین کشاورزی» یکی از علل اصلی فقر در جامعه روستایی مورد مطالعه به شمار می‌رود و توزیع ناعادلانه و نابرابر درآمد را نیز در پی خود دارد، بنابراین، برای ایجاد توازن میان درآمد گروه‌های مختلف روستایی پیشنهاد می‌شود که با همکاری همه نهادها و سازمانهای مربوط، در چارچوب طرحهای اقتصادی - کشاورزی، طرح واگذاری زمین به روستاییان بدون زمین، که به فعالیت در این زمینه علاقه دارند، به اجرا در آید تا ضمن اشتغالزایی، از ظرفیتهای بالقوه منطقه برای رونق و توسعه کشاورزی بهره‌برداری بهینه انجام گیرد.

۲. با توجه به ظرفیتهای موجود در منطقه در زمینه دامداری بهتر است با اختصاص اعتبارات لازم، دامها اصلاح شود و در اختیار افراد بدون زمین کشاورزی قرار گیرد. همچنین با ارائه خدمات فنی و ترویجی لازم به این گونه افراد و اعمال نظارت منطقی بر کار آنها، زمینه تبدیل این گروه از افراد به تولیدکنندگان شیر و گوشت و دیگر فراورده‌های دامی فراهم آید.

۳. به منظور دسترسی بهتر روستاییان، بویژه دهقانان و زارعان کوچک، به نهاده‌های کشاورزی همچون کود، سم، بذر و مانند آن، بهتر است توزیع این نهاده‌ها در میان کشاورزان به گونه‌ای ساماندهی شود که زارعان خرده‌پا و نیز همه کشاورزان به آسانی به نهاده‌های یاد شده دسترسی پیدا کنند. از این رو پیشنهاد می‌شود که توزیع نهاده‌ها با همکاری شورای اسلامی روستا و یا به کمک نمایندگان برگزیده از سوی اهالی روستا، انجام گیرد. همچنین برای جلوگیری از تبعیض و دیگر فسادهای اداری باید نهادها و سازمانها و مراجع ناظر بر این امور، نظارت بیشتری اعمال کنند.

۴. در کنار فراهم ساختن بسترها و زمینه‌های دسترسی فقیران روستایی به نهاده‌ها و اعتبارات، اقداماتی در راستای افزایش سطح اطلاعات فنی و حرفه‌ای آنها انجام گیرد. آموزش روستاییان برحسب اولویت نیازهایشان در این زمینه می‌تواند رهگشا باشد.

۵. ایجاد زمینه‌های لازم برای فعالیت تشکلهای مردمی و شوراهای صنفی کشاورزان در زمینه‌های تولیدی، خدماتی و مانند آن می‌تواند با قطع دست واسطه‌ها به افزایش درآمد

روستاییان و بهبود سطح زندگی آنها کمک کند و از گسترش فقر در مناطق روستایی و ژرفتر شدن شکاف پدید آمده، به روشهای گوناگون بکاهد.

منابع

۱. آرگاپها (۱۹۹۳). طراحی راهبرد کاهش فقر در نواحی روستایی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی (۱۳۷۸) انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
۲. آسایش، حسین. (۱۳۷۶). بررسی پدیده فقر و محرومیت در ایران، ماهنامه جهاد.
۳. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۶). بررسی اقشار آسیب‌پذیر جامعه روستایی در شهرستان گرمسار، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۴. ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات مؤسسه نشر کلمه، تهران.
۵. افراخته، حسن (۱۳۷۵). فقر روستایی و عوامل و راه‌حل‌ها (مطالعه موردی روستایی پایکوهی غیر گیلان). مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۳). شناخت عوامل فقر خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، انتشارات کمیته امداد امام خمینی، تهران.
۷. رضوی، سیدحسین. (۱۳۷۷). روستا، فقر، توسعه، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهادسازندگی، تهران.
۸. زاهدی مازندرانی، محمدجواد و ابراهیم زاهدی عبقری. (۱۳۷۵). روستاییان فقیر و آسیب‌پذیر (خطوط اساسی برای شناسایی قشرهای فقیر و آسیب‌پذیر روستایی)، فصلنامه

اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی.

۹. عظیمی، حسین. (۱۳۷۳). نگاهی به مسئله فقر و محرومیت در ایران، خلاصه گزارشهای

تحقیقاتی کمیته امداد امام خمینی، انتشارات کمیته امداد امام خمینی.

۱۰. علی اکبر بابوکانی، حسینعلی. (۱۳۷۳). بررسی ریشه های اقتصادی - اجتماعی فقر در

مناطق روستایی پادنا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۱. قلی نیا، جواد و علیقلی حیدری (۱۳۷۶). کنکاشی برای شناخت ابعاد فقر با تأکید بر فقر

روستایی، مجله جهاد، شماره ۲۰۰ و ۲۰۱ (آبان و آذر).

12. Dixon, C. (1990). Rural development in the Third World, first. Published Routledge, London and NewYork.

13. Lewis, O. (1993). The culture of poverty. on understanding poverty (Ed: Danial P. Meynhan) Book publishes, NewYork / London.